

قَدَّاح

در کتاب *تقد الشعر* و کتاب *تقد الأثر* تصریح به تشیع خود کرده؛ و بن اعتقاد وی به عصمت ائمه (ع) و تقیته آنها و دیگر اعتقادات شیعه تأکید می‌نماید.

صاحب ترجمه از مؤسّسین علم بدیع است و در کتاب خود *تقد الشعر*، فی البدیع، بیست نوع از مُحَسَّنَات بدیعیته را ضبط کرده، و نیز معاصر وی عبدالله بن الْمُعْتَزَّ (اولین واضع علم بدیع) هدفه نوع آنها را جمع و ضبط کرد، که در هفت نوع از آنها هر دو با یک دیگر متفق هستند، و در سیزده نوع دیگر، صاحب ترجمه متفرد می‌باشد، که مجموع آنها بالغ بر سی نوع می‌گردد؛ سپس مؤلفین و محققین این علم، آنرا اساس کار خود، تا عصر حاضر، در مؤلفات خود قرار داده‌اند.

حاج خلیفه در *کشف الظنون* (۱۹۴۵/۲) وفات وی را سال ۳۱۰ ق ثبت کرده، که قطعاً غلط است؛ یا قوت حَمَوی وفات او را به نقل از ابن الجوزی، سال ۳۳۷ ق ضبط کرده، ولی کاتب بودن وی را نزد سلاطین آل بویه انکار می‌کند. و تأکید کرده که صاحب ترجمه در سال ۳۲۰ ق زنده بوده و در مجلس وزیر، فضل بن جعفر بن الفرات، هنگام مناظره ابن سعید سیرافی حاضر بوده است.

صاحب ترجمه مؤلفات زیادی از خود باقی نهاده است، که هر یک از آنها از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد؛ از جمله آنها، کتاب *تربیاق الفکر* و یا *دریاق الفکر*؛ *جلائل الحزن*؛ و *الخارج*، که در لیدن چاپ شده است؛ *زهر الزبیع فی الاخبار*؛ کتاب *السیاسة*؛ *صابون القم*؛ *صروف الهمم*؛ *صناعة التجل*؛ *ترکة القلوب* و *زاد المسافر*؛ *تقد الشعر فی البدیع*؛ *تقد الأثر*؛ آقا بزرگ تهرانی در *الدریعه* گوید: نام کامل و صحیح آن *(البرهان فی وجوه البیان)* و به اشتباه بنام صاحب ترجمه چاپ شده و در حقیقت، از تألیفات معاصر وی، ابی-الحسین اسحق بن ابراهیم بن سلیمان بن وهب کاتب بغدادی است.

منابع: *اعیان الشیعه*، ۴۴۹/۸؛ *تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام*، ۱۶۸؛ *تاریخ آداب اللغة العربیة*، ۱۷۲/۲؛ *الدریعه*؛ *وتحان الادب*، ۸۱۵؛ *کشف الظنون*؛ *کنوز الاجلاد*، ۱۵۰؛ *مترجم الذهب*، ۲۴۱؛ *الفهرست*، ابن ندیم، ۱۴۴؛ *معجم الادب*، ۱۷؛ *معجم المؤلفین*، ۱۲۸۱۸؛ *نوابغ الشراة فی رابطة الیقات*، ۲۲۱؛ *النجوم الزاهرة*، ۲۹۷/۳. عبدالحسین شهیدی صالحی

قَدَّامَة بن زائده ثَقَفی، از محدثان شیعه، از راویان اصحاب امام باقر و امام صادق (ع). شیخ طوسی او را در باب اصحاب امام صادق (ع) یاد کرده و جمله: *أَشْبَدُ عُنْتَهُ* را درباره‌اش به کار برده است؛ که عبارت *أَشْبَدُ عُنْتَهُ* مورد مناقشه اهل رجال است و به معنی «استناد داده شده از او، در نقل اخبار» می‌باشد، که دلالت

سران ارتش عباسیان معرفی شد. قحطبه طی سلسله جنگهایی که از سال ۱۳۰ ق آغاز کرد، از سرخس راه افتاد و پس از سقوط سرخس راهی دیگر نقاط شمال خراسان شد؛ سپس از مرو به طوس و دامغان رفت. او همچنین به گرگان و نهاوند شتافت و پس از فتح آنجا رو به سوی قُومیس آورد و سپس به فتح اصفهان و نهاوند مبادرت کرد. قحطبه در تمامی جنگ‌هایی که داشت، پیروز میدان بود و روایات تاریخی بر حسن سیاست، توانایی و تَهَوُّر و بی‌رحمی او تأکید دارند.

او در آخرین نبرد خود، در سال ۱۳۲ ق، که رویارویی با لشکر ابن هُبَیْرَة بود هنگام عبور از فرات به قصد فتح کوفه، ناپدید شد و غالب روایات تاریخی بر آنند که در آب فرات غرق شد. با این حال، پس از مرگ او، سپاهش بر ابن هُبَیْرَة ظفر یافتند و به فرماندهی حسن بن قحطبه (۱۸۱ ق)، کوفه را فتح کردند. فرزند دیگرش، حُمَید بن قَحْطَبَة (۱۵۹ ق) بود، که والی مصر شد و سپس، امیر خراسان گردید و سادات مظلوم و بی‌گناه بسیاری را به خاک و خون کشید...

منابع: *الکامل فی التاریخ*، ابن اثیر؛ *تاریخ یعقوبی*، ابن واضح یعقوبی؛ *تاریخ حبیب التییر*، خواند میر؛ *روضه الصفا*، میرخواند؛ *الأعلام*، زُرْکَانی؛ *تاریخ طبری*، محمد بن جریر طبری؛ *تول الاسلام*، محمد بن احمد بن عثمان الذّهَبی؛ *تتمتھی الآمال*، محدث قمی. محمد حسن سعیدی

قَدَّاح — عبدالله بن مَیْمُون قَدَّاح

قَدَّامَة بن جعفر (م ۳۳۷ ق) (کاتب بغدادی)، شیخ ابوجعفر قَدَّامَة فرزند جعفر بن قَدَّامَة، از اعظام علما و شعرای شیعه و مفاخر اُدباء بنام امامیه و فحول علم بلاغت و منطق و جامع فنون اسلامی.

وی نصرانی بود و بر دست مُکْتَفی بالله عتاسی (۲۸۹ - ۲۹۵ ق) اسلام آورد (*الدریعه*، ۲۴، ۲۷۵). او علوم و فنون اسلامی را نزد اکابر فضلاء بغداد-فراگرفت و نیز در عصر دولت عتاسیین به مناصب عالی در دربار خلفا راه یافت. به سال ۳۳۴ ق هنگام فتح بغداد بدست آل بویه، وی از کُتَّاب سلاطین بنی بویه شد، تا آخر حیاتش، که چندان دراز نبود. ابن ندیم در وصف وی می‌نویسد: یکی از بزرگان بُلْغَاء و فصحاء و فلاسفه یا فضلی است که در علم منطق انگشت نما و بی نظیر بود؛ سپس مؤلفات او را یاد کرده است (*الفهرست*، ابن ندیم، ۱۴۴). آقا بزرگ تهرانی در *طبقات اعلام الشیعه*، می‌نویسد: تشیع وی از مؤلفات او کاملاً نمایان است و

حكمت بشير ياسين, استدراقات تاريخ التراث العربي, قسم التفسير و
علوم القرآن, الجزء الثاني, جدة 1422. ص. ٧٨ ISAM 090255

* ٦٨ - التفسير

ZÂÏDE b. KUDÂME

لزائدة بن قدامة، أبي الصلت، الثقي، الكوفي (ت ١٦١ هـ).

ذكره ابن النديم^(٣) والداودي وذكر جماعة من شيوخه وتلاميذه
المفسرين^(٤).

^(٣) الفهرست ص ٢٨٢.

^(٤) طبقات المفسرين ١/١٨١.

حكمت بشير ياسين, استدراقات تاريخ التراث العربي, قسم القراءات,
الجزء الاول, جدة 1422. ص. 57. ISAM KTP 090254.

✶

230466

١٥- كتاب القراءات *
ZÂÏDE b. KUDÂME

لزائدة بن قدامة الثقفي، أبي الصلت، النكري، الكوفي (ت ١٦٠ هـ أو
١٦١ هـ).

ذكره ابن النديم^(٢) والداودي^(٣).

^(٢) الفهرست ص ٢٨٢.

^(٣) طبقات المفسرين ١/١٨١-١٨٢.

230466

in life he became blind and had a servant girl write down traditions for him. He boasted about his knowledge of thousands of *isnāds*. He refused to acknowledge that the Qurʾān was created. There is one anecdote in which his feigned indifference, allegedly a Wāsiṭī characteristic, seems to have been made fun of (TB, XIV, p. 345). He was considered to be one of the *āmīrūn bi 'l-ma'rūf wa 'n-nāhi'n* 'an al-munkar (cf. TB, XIV, p. 346). He is also said to have appeared regularly in the dreams of others. For his dealings with early theologians, cf. Van Ess, TG, II, pp. 431 f.

Mz., I, no. 233, he is (S)CL in a spider supporting a version of a composite in which the oldest CL is Shu'ba, see his *tarjama* under no. 1632.

With a strand on the authority of Shu'ba—Qatāda—Anas, who related the Prophet's words:

- “When the Dajjāl (i.e. the antichrist) comes to Medina, he will find it protected by angels, so he won't be able to draw near and, God willing, nor will the plague”,

cf. Mz., I, no. 1269 (*kh*, 92/27, 3, *Fath*, XVI, p. 220, *t*, IV, pp. 514 f, confirmed in IH., III, pp. 123, 202, Abū Ya'lā, V, p. 390, VI, p. 13). Yazīd b. Hārūn is CL and this is substantiated by Mz. (*ibidem*). He cited a certain Khalaf (that is probably the Wāsiṭī tradition expert Khalaf b. Muḥammad b. 'Alī, d. 401/1011), who identified this tradition with Yazīd (*gharīb tafarrada bihi Yazīd*).

With a strand on the authority of Ḥajjāj b. Abī Zaynab—Abū Sufyān Ṭalḥa b. Nāfi'—Jābir b. 'Abd Allāh, who related the Prophet's words (after a long preamble probably meant to furnish a believable backdrop for extra emphasis):

- “The most excellent of condiments is vinegar”,

cf. Mz., II, no. 2291 (*m*, III, pp. 1622 f, *s*, confirmed in IASH., VIII, pp. 148 f, cf. Dārimī, II, pp. 137 f). Yazīd b. Hārūn is (S)CL of this 'concession' in the debate on the permissibility of using vinegar as condiment for seasoning bread. For a negative, probably older, point of view, see Thawrī under no. 1668. The prohibition of intoxicating beverages, mostly the result of *nabīdh* left to ferment for a while, as well as vinegar were the subject of a large MC. For a survey of some spider and SS-supported traditions in this MC, see *m*, III, pp. 1621 ff.

With a strand on the authority of Hammām b. Yahyā—Qatāda b. Di'āma—'Amr b. Shu'ayb—his father Shu'ayb b. Muḥammad b. 'Abd Allāh b.

'Amr—Shu'ayb's grandfather 'Abd Allāh b. 'Amr, who related the Prophet's words:

- “Eat (and drink), give alms (whatever you like), and clothe yourselves (in whatever clothes you like) but without extravagance or ostentation”,

cf. Mz., VI, no. 8773 (*s*, V, p. 79, *q*, II, p. 1192, confirmed in IASH., VIII, p. 217, IH., II, p. 181). Yazīd b. Hārūn is (S)CL of this tradition which belongs to the extensive MC on the reprehensibility of ostentatiousness in personal attire. This is directly associated with a few concepts occurring in the Qurʾān, *saraf* and *israf*, excess, and *ri'a*, ostentation, and in the ḥadīth the term *khuyalā'*, arrogance, haughtiness, cf. Shu'ba under no. 11909, and Mālik b. Anas under no. 6726°. It was especially trailing the hem of one's dress over the ground that was frowned upon. Yazīd may have had a special interest in clothing precepts: another tradition on trailing the hem of one's dress with Yazīd as SCL is found in Mz., VIII, no. 11493.

With a strand on the authority of Sharīk b. 'Abd Allāh—'Aṣim b. Kulayb—his father Kulayb b. Shihāb—Wā'il b. Ḥujr:

- “I saw when he prostrated himself how the Prophet lowered his knees on the ground before his hands and how he raised his hands before his knees”,

cf. Mz., IX, no. 11780 (*d*, 'Awn al-ma'būd, III, pp. 47 f, *t*, *s*, *q*, confirmed in Ibn Ḥibbān, III, pp. 190 f, cf. IH., IV, p. 317, where Yazīd b. Hārūn has a different strand back to Wā'il). Yazīd is (S)CL, and this is confirmed by means of the technical term *tafarrada bihi* according to Dāraquṭnī, who is quoted in 'Awn.

Zā'ida b. Qudāma, an Arab from Kūfa who is recorded to have died in 161/778. He was a strict *ṣāhib sunna* who made sure before he transmitted any ḥadīth to people he did not know whether or not they upheld *bid'as*. If they did, he refused to transmit. He seems to have identified those who slighted Abū Bakr and 'Umar with those who upheld *bid'as*.

With a strand on the authority of Ziyād b. 'Ilāqa—al-Mughīra b. Shu'ba:

- “In the lifetime of the Prophet, on the day that (his son) Ibrāhīm died, the sun was

1. Cf. Dhahabī, *Siyar*, VII, p. 377.